

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 4, Summer 2022, 207-230
Doi: 10.30465/CRTLS.2020.33127.2008

A Critical Review on the Book

Theory of Systems and Paradigm Shift in Sociology

Hamid Sajadi*

Abstract

Nicholas Luhmann's systems theory as a social theory has created a good perspective for understanding the social system and the modern world. *Theory of Systems and Paradigm Shift in Sociology* compiled and translated by Ali Ardestani is an important work about Luhmann. This work contains five articles by Nicholas Luhmann entitled: Changing Paradigms in Systems Theory, New Systems Theory, Society Theory, Modernity of Science, Globalization, or the Global Community: How to Understand the Global Community, Speech and Silence, and three articles by other authors entitled Why Systems, Heritage Luhmann is the foundation of the social systems. By focusing on social theory, communication theory, and evolution theory as the main elements of system theory on the one hand and placing the social system in relation to the environment of both the modern world and the world community on the other hand, the work in question has provided an acceptable explanation of systems theory. However, the work in question is not without flaws; poor coverage of topics, as well as incomprehensible translations and equations, are notable. Therefore, in the leading article, while explaining the theory of systems, which constitutes the main content of the book, it is reviewed in three parts: form, content, and translation.

Keywords: Social System, Communication, Meaning, Self-Referential, Functionalism.

*PhD in Political Sociology, Assistant Professor, Department of Social Studies, Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS), Tehran, Iran, H.Sajadi@ihcs.ac.ir

Date received: 10-01-2022, Date of acceptance: 23-05-2022



بررسی انتقادی نظریه سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی

حمید سجادی*

چکیده

نظریه سیستمی نیکلاس لومان، در مقام یک تئوری اجتماعی، چشم‌انداز مناسبی برای شناخت نظام اجتماعی و جهان مدرن به وجود آورده است. نظریه سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی، تدوین و ترجمه علی اردستانی، اثری حائز اهمیت در خصوص اندیشه‌های لومان و عناصر اندیشگی اوست. این اثر پنج مقاله از نیکلاس لومان با عناوین «تغییر پارادایم در نظریه سیستم‌ها»، «نظریه سیستم‌های جدید و نظریه جامعه»، «مدرنیت علم»، «جهانی‌شدن یا جامعه جهانی: چگونه باید جامعه جهانی را درک کرد»، و «سخن و سکوت» و سه مقاله از دیگر نویسندگان با عناوین «چرا سیستم‌ها»، «میراث لومان»، و «بنیان‌های نظریه سیستم‌های اجتماعی» را در بر دارد. کتاب مورد بحث از یک سو، با تمرکز بر نظریه اجتماعی، نظریه ارتباطات، و نظریه تکامل به عنوان عناصر اصلی نظریه سیستمی و از سوی دیگر، با قراردادن سیستم اجتماعی در ارتباط با محیط، اعم از جهان مدرن و جامعه جهانی، تبیینی قابل قبول از نظریه سیستم‌ها را ارائه کرده است. با این حال، کتاب مورد بحث خالی از ایراد نیست. ضعف پوشش مباحث و هم‌چنین ترجمه و معادل‌سازی‌های نامفهوم از جمله موارد قابل ذکر است. از این رو، در مقاله پیش‌رو، ضمن توضیح نظریه سیستم‌ها که محتوای اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد، به نقد و بررسی آن در سه بخش صوری، محتوایی، و ترجمه پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سیستم اجتماعی، ارتباط، معنا، خودارجاعی، کارکردگرایی.

* دکترای جامعه‌شناسی سیاسی از دانشگاه تهران و استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

تهران، ایران، H.Sajadi@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲



۱. مقدمه

تئوری سیستم‌ها یک چهارچوب مفهومی است و بر این اصل استوار است که اجزای تشکیل‌دهنده یک سیستم را می‌بایست در متن روابط با یکدیگر و با سیستم‌های دیگر درک کرد. نظریه سیستم‌ها با این مفروض که در جهان نظم و شعور وجود دارد و از طریق مجموعه‌ای نظام‌مند اقدامات در آن انجام می‌گیرد (بیکر ۱۳۹۴: ۱۳) نقش برجسته‌ای در تحول نظریات اجتماعی داشته است. نظریه عمومی سیستم: مبانی، توسعه، کاربردها، اثر لودویگ فون برتalanفی (۱۹۶۸)، اولین گام اساسی در تبیین رویکرد سیستمی بود. هرچند مطالعات قبلی دانشمندان، به‌ویژه مردم‌شناسانی هم‌چون مارگارت مید و گریگوری بتسون، عناصر مختلفی از این نظریه را مطرح کرده بودند، تنها در این زمان بود که برتalanفی، با ارائه نظریه یک پارچه، برای درک سیستم‌های پیچیده و نحوه مدیریت بهتر آن‌ها امکان مناسبی را فراهم آورد. سپس، در پرتو توجه اندیشمندان بسیاری در این حوزه، طیف متنوعی از نظریه‌های سیستمی شکل گرفت، با این توضیح که نظریات سیستمی باز و به‌طور خاص نظریه سیستم اجتماعی، در پرتو تأملات و نظریه‌پردازی نیکلاس لومان، نقطه اوج اندیشگی در این حوزه به‌شمار می‌رود. لومان با واردکردن متغیرهای متنوع، از جمله متغیر زمان، و تولید مفاهیمی هم‌چون خودارجاعی و خودسازی سیستمی شکل تکامل‌یافته‌ای از نظریه سیستمی را ارائه داد. با توجه به اهمیت نظریه سیستم اجتماعی و هم‌چنین جایگاه لومان در اندیشه‌ورزی در این حوزه، نقد و بررسی کتاب *نظریه سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی*، که با تأمل بر اندیشه‌های نیکلاس لومان تدوین و ترجمه شده، حائز اهمیت است. در ادامه، بحث را با معرفی کوتاهی از مترجم و تدوین‌کننده کتاب پی‌گیری، سپس با مرور بر آثار لومان بحث را دنبال می‌کنیم.

۱.۱ معرفی مترجم کتاب

دکتر علی اردستانی، استاد علوم سیاسی، مترجم و صاحب‌اثر در این حوزه است. از آثار او می‌توان به *ساختار و ماهیت روش‌شناسی در علم سیاست و بنیادهای نظری علم سیاست: تأملی بر رابطه علم و دموکراسی* اشاره کرد. هم‌چنین، کتاب‌هایی چون *اندیشه سیاسی اسلام در سده‌های میانه نوشته آروین روزنتال، درآمدی بر علم سیاست نوشته مایکل جی. راسکین و دیگران، و تنش جوهری نوشته تامس کوون* را ترجمه کرده است. کتاب *نظریه*

سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی: تأملی بر اندیشه‌های نیکلاس لومان^۱، که موضوع این مقاله است، از جمله آثاری است که وی گردآوری و ترجمه کرده است.

۲,۱ معرفی نیکلاس لومان

نیکلاس لومان (Niklas Luhmann) در هشتم دسامبر ۱۹۲۷ در لونبرگ آلمان متولد شد. او از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۹ در دانشگاه فرایبورگ (University of Freiburg) در رشته حقوق تحصیل کرد. در سال ۱۹۶۱ به هاروارد رفت تا جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز (Talcott Parsons)، متنفذترین جامعه‌شناس آن دوره، را فرا گیرد. تمرکز پژوهش لومان عمدتاً در زمینه سیستم‌های اجتماعی بوده و انتقادات جدی‌ای را بر پیچیدگی تحلیلی ره‌یافت کارکردگرایانه پارسونز وارد کرده است. بین سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۹۷، لومان بیش از پنجاه کتاب و سی صد مقاله را منتشر کرده است. مهم‌ترین وجه نظری لومان ره‌یافت سیستم‌های عمومی است. به‌تبع، عنوان مهم‌ترین کتاب وی نیز سیستم‌های اجتماعی (Luhmann 1995) است، آن‌چنان‌که غالب آثار لومان در حوزه‌های گوناگون هم‌چون علم، هنر، اقتصاد، سیاست، دین، حقوق، و رسانه بر مبنای این رویکرد تدوین شده است.^۲ تا قبل از لومان، نظریه سیستم‌ها در جامعه‌شناسی با کار تالکوت پارسونز و مکتب کارکردگرایی ساختاری وی پیوند داشت، اما بر اثر نظریه‌پردازی کاملاً متفاوت لومان نظریه کارکردگرایی دست‌خوش تحول عمده‌ای شد.

۳,۱ معرفی کتاب^۳

کتاب *نظریه سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی* در واقع مجموعه‌مقاله است و دربرگیرنده پنج مقاله از نیکلاس لومان با عناوین «تغییر پارادایم در نظریه سیستم‌ها»، «نظریه سیستم‌های جدید و نظریه جامعه»، «مدرنیت علم»، «جهانی‌شدن یا جامعه جهانی: چگونه باید جامعه جهانی را درک کرد»، و «سخن و سکوت» و سه مقاله از دیگر نویسندگان با عناوین «چرا سیستم‌ها» به‌قلم درک بیکر، «میراث لومان» نوشته گوترد بچمن و نکو استر، و «بنیان‌های نظریه سیستم‌های اجتماعی لومان» نوشته الکس ویسکواتف است. در اولین مقاله، با عنوان «چرا سیستم‌ها»، بیکر تعاریف متنوعی از سیستم را ارائه می‌دهد و آن‌ها را واکاوی می‌کند. در نهایت، بیکر در این مقاله نظریه سیستمی را به‌آزمون‌گذاردن امکان و

چگونگی بازتولید سیستم‌ها تعریف می‌کند؛ امری که پیش‌ازاین بدیهی قلمداد می‌شد (بیکر ۱۳۹۴: ۱۳-۳۸).

مقاله دوم، با عنوان «تغییر پارادایم در نظریه سیستم‌ها»، بخشی از کتاب *سیستم اجتماعی* (Luhmann 1995) است. در این مقاله، لومان تنوع نظریه‌های سیستمی و سرعت تحول در این نظریات را مورد بحث قرار می‌دهد؛ تحولات بنیادینی که در نهایت به عنوان تغییر پارادایم در این حوزه صورت‌بندی می‌شوند (لومان ۱۳۹۴: ۴۱). از نظر لومان، محرکه این تحولات بیش از این‌که به جامعه‌شناسی ارتباط داشته باشد، تحت‌تأثیر ترمودینامیک و بیولوژی و از نظریه‌های ارگانیسم و فیزیولوژی اعصاب، بافت‌شناسی، علوم کامپیوتر، و نظریه اطلاعات و سیرنیتیک بوده است. با این تأثیرپذیری، لومان تأکید دارد که نظریه سیستم‌های عمومی می‌بایست با رویکرد جامعه‌شناسی به‌محک آزمون‌گذارده شود، چراکه تنها در این حالت است که می‌توان از پیشرفت‌های انتزاعی مفهوم‌بندی جدیدی را استخراج کرد که عنصر اصلی آن زمان‌مند شدن است. این امر نظریه سیستمی را به عنصر موقتی و گذرای بودن مجهز می‌کند و امکان برقراری ارتباط با محیط، بازتولید آن، و در نهایت معناداری آن را فراهم می‌آورد (لومان ۱۳۹۴: ۴۱-۵۷).

مقاله سوم، با عنوان *نظریه سیستم‌های جدید و نظریه جامعه*، سخن‌رانی لومان در شانزدهمین کنگره جامعه‌شناسان آلمان در سال ۱۳۶۸ در فرانکفورت است. لومان، در این مقاله، بحث را با طرح این پرسش پی می‌گیرد که «آیا می‌توان جامعه را به‌گونه‌ای بسنده، به‌منزله یک سیستم، درک و فهم کرد؟». لومان، به‌منظور فهم و پاسخ به این مسئله، به طبقه‌بندی مجموعه تلاش‌هایی می‌پردازد که برای فهم جامعه به‌منزله یک سیستم اجتماعی صورت گرفته‌اند؛ از جمله فهم نظام اجتماعی به‌مثابه امری کلی، بهره‌گیری از قیاس‌های استعاره برای مفهوم ارگانیسم‌ها یا ماشین‌های سیرنیتیک، و در نهایت نظریه عمومی سیستم‌های کنش. از نظر وی، چنین تلاش‌هایی متقاعدکننده نیستند، با مشکلات و دشواری‌هایی در تعریف سیستم و تبیین مرزهای محیطی مواجه‌اند، و علاوه‌براین امکان شناسایی ویژگی‌های خاص سیستم‌های معناساز را ندارند. لومان، برای رفع این نقیصه اتخاذ رویکردی کارکردگرا را پیش‌نهاد می‌کند (لومان ۱۳۹۴: ۶۳-۸۴).

مقاله چهارم، با عنوان «بنیان‌های نظریه سیستم‌های نیکلاس لومان، از ویسکوواتف است. از نظر نویسنده، لومان بیش از هر نظریه‌پرداز اجتماعی به مرکزیت مفهوم معنا برای نظریه اجتماعی توجه کرده است. از نظر ویسکوواتف، نظریه لومان تلاشی برای یافتن نظریه‌ای است که هم امر اجتماعی را در بر گیرد و هم آن را به‌گونه‌ای اثباتی تعریف کند

که ویژگی خودبستگی داشته باشد. ویسکواتف، با اذعان به قدرت نظریه لومان، با رویکردی انتقادی به بررسی مجموعه ضعف‌های نظریه او می‌پردازد؛ از جمله مهم‌ترین مسئله مربوط به اقتباس بیولوژی به‌عنوان مبنای نظریه لومان است که موجب شده است تا نظریه وی قدرت توضیحی کافی را نداشته باشد و بیش از هر چیز در وجه توصیفی محدود بماند. هم‌چنین، از نظر وی، نظریه سیستمی لومان عوامل مخل و تباه‌کننده را در نظر نگرفته است. علاوه بر این، از نظر وی، نظریه معنای لومان استقلال روشن و منسجمی برای حوزه اجتماعی فراهم نیاورده است. ویسکواتف در نهایت نظریه لومان را فاقد مفاهیمی در خصوص سوژه ارزیابی می‌کند. به همین منظور، وی بیش از هر چیز بر خودفهمی سوژه‌ها در نظریه اجتماعی تأکید دارد (ویسکواتف ۱۳۹۴: ۸۶-۱۳۷).

مقاله پنجم کتاب، با عنوان «مدرنیت علم»، فصل دهم کتاب علم جامعه، نوشته لومان، است (Luhmann 1992). لومان در این بخش، با اشاره به این که مدرنیت جامعه مدرن در جامعه‌شناسی به تفصیل مورد بحث قرار گرفته و جامعه مدرن، با بدنام کردن جامعه قدیم، جدیدبودگی خود را تولید کرده است، به این نکته اشاره می‌کند که بازنمود علم، به‌عنوان امری مدرن، بی‌چون و چرا بر مسند نشسته است و فاقد هرگونه تجزیه و تحلیل نظری است. در این جهت، وی تلاش می‌کند تا این مفهوم را مورد تدقیق قرار دهد. تحلیل لومان در این بخش در تقابل دیدگاه پارادیمی دیدن علم قرار دارد، با این توضیح که رویکرد وی مبتنی بر انفکاک کارکردی سیستم اجتماعی و خودفهمی سازه‌انگاران علم است (لومان ۱۳۹۴: ۱۴۲-۱۶۳).

مقاله ششم، با عنوان «جهانی شدن یا جامعه جهانی: چگونه باید جامعه مدرن را درک کرد»، به قلم لومان است. مقاله با فرض وجود واقعیت سیستم جهانی آغاز می‌شود، با این توضیح که این وجه بین‌المللی نه رابطه‌ای بین چند کشور، بلکه ناظر بر مسائل سیاسی و اقتصادی در سیستم جهانی است. لومان وقوع مسائل جدید و هم‌زمانی تغییرات در سراسر جهان را دال بر پیچیدگی فهم در این حوزه می‌داند. لومان در پاسخ به این سؤال که «آیا سیستم جهانی یک جامعه یا سیستمی از جوامع است؟» را بر مبنای این فرض دنبال می‌کند که مفهوم جامعه با ترکیب خاصی از تمایز و هم‌سانی، یعنی انفکاک و وحدت، بازسازی شده است (همان: ۱۶۷-۱۹۳).

مقاله هفتم کتاب با عنوان «سخن و سکوت» است. لومان در این مقاله بیان می‌کند که ارتباط به‌جای پیوند موجب تقسیم و مرزبندی در جهان شده است. در این معنا، لومان مفهوم متضاد ارتباط‌ناپذیری ارتباط را برای تبیین مفهوم خود استخدام می‌کند (همان: ۱۹۷-۲۱۳).

مقاله هشتم کتاب، با عنوان «میراث نیکلاس لومان»، به قلم بیچمن و استر، همان‌گونه که از عنوانش پیداست، نگاهی کلی به آثار لومان دارد. آثار لومان تقریباً شامل هفت‌صد اثر است که از مهم‌ترین این آثار می‌توان به ساختار جامعه‌گی و معناشناسی، روشن‌اندیشی جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی ریسک، ارتباط بوم‌شناختی، واقعیت رسانه‌های گروهی، و نظریه سیاسی دولت رفاہ اشاره کرد. در مجموع، برجسته‌ترین تلاش وی ایجاد نظریه‌ای درباب جامعه‌مدرن است که در مجموعه‌ای از مقالات و درنهایت تدوین کتاب جامعه‌جامعه تدوین شده است. نویسندگان مقاله حاضر جامعه‌جامعه را نقشه راه‌نمایی برای فهم نظریه سیستم‌های جدید لومان معرفی می‌کنند. بررسی بنیان‌های نظریه اجتماعی لومان و ترسیم ویژگی‌های اصلی رویکرد و سیستم نظری لومان دو بخش اصلی این مقاله است. لومان همواره دیدگاه ضدانسان‌گرا، غیرهستی‌شناختی، و سازه‌گرایی رادیکال را درمورد جامعه فرض گرفته است. رادیکال‌ترین فرض رویکرد نظری لومان تأکید بر تفاوت‌ها و تمایزهایی است که دیگر نه به‌عنوان تفاوت‌های عینی، بلکه به‌عنوان سازه‌ها ملاحظه می‌شوند. جای‌گزینی مفهوم سوژه و انتقال تفکیک سوژه/ابژه به تمایز میان سیستم و محیط لومان را به نظریه‌ای پسا‌هستی‌شناختی درباب جامعه رهنمون می‌سازد. درنهایت این‌که درنزد لومان تمایز و انفکاک اجتماعی و شکل‌گیری سیستم ویژگی‌های اصلی جامعه‌مدرن را تشکیل می‌دهند. سخن این است که در نظر لومان جامعه‌شناسی درنهایت نظریه‌ای درباب جامعه است، نه یک علم (بیچمن و استر ۱۳۹۴: ۲۱۷-۲۴۳).

۲. نقد و بررسی شکلی اثر

۱,۲ ویژگی‌های فنی

کتاب نظریه سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی: تأملی بر اندیشه‌های نیکلاس لومان، ترجمه علی اردستانی، را نشر قومس در سال ۱۳۹۴ در یک جلد و در ۲۵۶ صفحه به چاپ رسانده است. به لحاظ ویژگی‌های فنی اثر باید بیان کرد که جلد کتاب مناسب است و با طراحی ساده از چهره لومان مزین شده است. کتاب با قطع رقعی و جلد شومیز صحافی شده است. صحافی کتاب خوب است و اغلاط چاپی نیز ندارد. صفحه‌آرایی مناسب و خوب است. هم‌چنین، کیفیت چاپ نیز مطلوب است و هیچ‌گونه ایراد چاپی ندارد. حروف‌نگاری کتاب بسیار خوب و مطلوب است. به‌طور کلی، اندازه قلم، کلمات، و فاصله جملات مناسب و چشم‌نواز است.

۲,۲ قواعد عمومی نگارش و ویرایش تخصصی

ویراستار عضو حذف‌ناپذیر چرخه تولید کتاب است. لاجرم، غیاب ویراستار پذیرفتنی نیست. در واقع، فقدان ویراستار برای کتاب موجب شده است تا ترجمه و متن کتاب حداقل کیفیت لازم را نداشته باشد. متن سرشار از کلمات مبهم، جملات بلند، عبارات متنی نارسا، و اصطلاحات ترجمه‌نشده است. به لحاظ ظاهری نیز، کم‌تر علائم و نشانه‌گذاری‌های نگارشی در متن رعایت شده است. به عنوان مثال، در جمله «او در همین رابطه به استنلی کیول استناد می‌کند» (اردستانی ۱۳۹۴: ۱۹) مشخص نیست که ضمیر او به چه کسی ارجاع دارد. در صفحه ۲۱، جمله با «و یا» شروع می‌شود. در صفحه ۱۹، بند اول پراکنده‌تر باز شده، اما بسته نشده است و در همان صفحه جمله ناویراسته‌ای بدین نحو نگارش شده است: «موجودیتی، توانایی احتساب فقدان دانش خود» (همان).

مسائل یادشده تمام آن چیزی است که در حوزه تخصصی ویرایش مطرح است و برای هرچه روان‌تر شدن متن موجود امری ضروری است. از همین روست که اغلب برای ویراستاران جایگاهی هم‌تراز با نویسندگان یا مترجمان اثر تعریف شده است. تعریف واژگان و اصطلاحات به صورت پانوش در صورت امکان استفاده از واژگان به ذهن آشناتر از طریق معادل‌سازی می‌تواند رفع‌کننده این ابهام در ذهن خواننده باشد.

۳,۲ کیفیت روان‌بودن و رسایی کتاب

متن ترجمه‌شده در موارد بسیاری غامض و نامفهوم است که می‌توان به این موارد اشاره کرد:

در این مقاله کوشش می‌شود تا نگاهی دقیق‌تر به مفهوم مرکزی نظریه سیستم‌ها، یعنی مفهوم سیستم، انداخته شود (اردستانی ۱۳۹۴: ۱۶).

سیستم معنای جز شمول مفهوم پیش‌بینی‌ناپذیری واقعی‌اش در بر ندارد. سیستم به معنای بازگشت غیرخطی و مساوی با پیش‌بینی‌پذیری می‌باشد (همان: ۱۷).

شاید بتوان گفت که روح و عمل سیستم‌ها از دیدگاهی که هر بخشی از یک کل را هوشمندتر از همان می‌داند نظری‌تر هستند (همان: ۱۸).

ویور تعریفی از پیام ارائه می‌کند که حتی در صورت عدم لحاظ آن، رأی درک آن از هر نمودار دیگری در مورد فرستنده/گیرنده/کانال/اختلال مهم‌تر است (همان: ۲۴-۲۵).

عدم تعیین واقعی دلالت، یعنی درون متمایز، باتوجه به بیرون تمایز و خود عملیات تمایز متقاطع عدم تعیین را فرض می‌گیرد و این دلیل آن است که چرا عملیات‌های بازتولید باید خود ارجاعی باشند (همان: ۳۲).

سازمان‌ها ابزار شهودی خود-واسازی جامعه مدرن هستند (همان: ۳۷).

۳. بررسی ابعاد محتوایی اثر

۱،۳ انسجام و نظم منطقی

مقالات از ترتیب و چینش مناسبی برخوردارند، با این توضیح که نخست، مقاله درک بیکر تحت عنوان «چرا سیستم‌ها آغازکننده مناسبی برای شروع بحث درخصوص نظریه سیستم‌هاست» و هم‌چنین مقاله «میراث نیکلاس لومان»، نوشته گوتارد بچمن و نکو استر، مقالات مناسبی هستند که مترجم برای انتهای کتاب انتخاب کرده است. اختصاص پنج بخش از کتاب به مقالات لومان، باتوجه به تمرکز بر اندیشه‌های لومان، نیز مثبت ارزیابی می‌شود و اختصاص سه مقاله دیگر به لومان در آرا و نظر دیگران نیز قابل توجه است. درکل، فهرست مطالب و چینش مقالات در فهرست مطالب مناسب و متناسب است و موجب شده است تا متن از نظم منطقی مناسبی برخوردار باشد.

۲،۳ نایک‌دستی مقالات

باین‌که فهرست مطالب که عناوین بامعنا و چینی متناسب را ترسیم می‌کند، مقاله‌های کتاب با یکدیگر پیوند منسجم ندارند. مقاله نخست نوشته درک بیکر (۲۰۰۱) است که مترجم صرفاً با حذف چکیده مقاله در متن ترجمه شده تلاش کرده است تا ساختار مقاله را در متن کتب ترکیب کند. مقاله دوم بخش مقدمه کتاب سیستم‌های اجتماعی (۱۹۸۴) است. سومین مقاله از سخن‌رانی لومان در شانزدهمین کنگره جامعه‌شناسان آلمان (۱۹۶۸) است. مقاله چهارم نوشته ویسکواتف ارائه شده در سمینار اراسموس در فلسفه و اقتصاد (۱۹۹۹) است. مقاله پنجم، «مدرنیت علم» (۱۹۹۴)، فصل دهم کتاب علم جامعه است. مقاله ششم و هفتم دو مقاله مجزا از لومان (۱۹۹۷ و ۱۹۹۴) است. درنهایت، مقاله هشتم هم، «میراث لومان»، نوشته بچمن و استر است. تفرق در سطح تحلیل مقاله‌ها (همایش، فصل کتاب، و مقاله نشریه)، نویسندگان و موضوعات، و درنهایت نایک‌دستی مقالات و

هم‌پوشانی ضعیف مطالب موجب شده است تا خواننده نتواند به فهمی منسجم از مفهوم نظریه سیستم‌ها رهنمون شود.

۳,۳ عنوان تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی

نام کتاب که با عنوان «نظریه سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی» برجسته شده است نامی چندان مناسب برای این کتاب نیست. در واقع، «تغییر پارادایم در نظریه سیستم‌ها» که عنوان مقاله دوم کتاب (اردستانی ۱۳۹۴: ۴۱) هم است، عنوان مناسب‌تری است. علاوه بر این، با وجود تعدد و تکرار نظریه‌ها و خرده‌نظریه‌ها در حوزه جامعه‌شناسی، نمی‌توان داعیه تحول و شکل‌گیری یک پارادایم در جامعه‌شناسی، آن هم تحت عنوان نظریه سیستم‌ها، را داشت.

۴,۳ اصول منبع‌دهی علمی

ارجاع‌دهی مقالات یک‌دست نیست و هریک از مقالات و بخش‌ها به شکل متفاوت به منابع ارجاع داده‌اند. به عنوان مثال، مقاله بیکر تحت عنوان «چرا سیستم‌ها» (اردستانی ۱۳۹۴: ۱۳) و «بنیان‌های نظریه سیستم‌های اجتماعی» (همان: ۸۶) ارجاعات به صورت درون‌متنی است، در حالی که در مقالات «تغییر پارادایم در نظریه سیستم‌ها» (همان: ۴۱) و «مدرنیت علم» (همان: ۱۴۲) ارجاعات در انتهای متن آورده شده‌اند.

در مقاله پایانی تحت عنوان «سخن و سکوت» (همان: ۱۹۷) ارجاعات به شکل درون‌متنی آمده‌اند و در کل متن دو ارجاع دارد که در انتها برای یکی از ارجاعات درون‌متنی آدرس منبع در پایان ذکر نشده است (Luhmann 1997: 76-77؛ اردستانی ۱۳۹۴: ۲۲۶).

باتوجه به این‌که توضیح کامل منابع هر بخش و مقاله در پایان هر مقاله و بخش آورده شده است (اردستانی ۱۳۹۴: ۱۲، ۳۸، ۵۸، ۱۳۷، ۱۶۳، ۱۹۴، ۲۱۴)، تکرار آن‌ها در بخش پایانی توجیهی ندارد (اردستانی ۱۳۹۴: ۲۴۴-۲۵۲).

اشاره به اسامی نویسندگان و تاریخ در ارجاع درون‌متنی به انگلیسی نوعی به هم‌ریختگی و آشفتگی در نوشتار را سبب شده است (از جمله این موارد، بنگرید به همان: ۱۵-۳۷، ۸۵-۱۲۷).

۱,۴,۳ نایک‌دستی در زبان پانوشت‌ها

معادل اصطلاحات تخصصی در پانوشت‌ها یک‌دست تنظیم نشده است. به‌عنوان مثال، برخی از معادل‌ها مانند «circular» و «mystical» (اردستانی ۱۳۹۴: ۲۲) انگلیسی، برخی مانند «forme mediale» (همان: ۳۴) فرانسوی، و بعضی مانند «ding an»، «geist»، و «sich» (همان: ۲۰) آلمانی است.

۴. ارزیابی ترجمه

مترجم «over-determination» را به «تعیین سراسری» و «under-determination» را به «بی‌تعیینی» ترجمه کرده و در توضیح این‌گونه توصیف کرده است که باوجود علل و معلولات بی‌شمار سیال اطراف این جهان بدون ارتباط مشخصی میان آن‌ها (اردستانی ۱۳۹۴: ۱۴-۱۵)، درحالی‌که «over-determination» به‌معنای این است که یک معلول به‌واسطه چندین علت تعیین می‌شود، حال آن‌که تنها یکی از آن‌ها برای آن تأثیرگذاری در معلول کافی بوده است و «under-determination» بدین معناست که تعداد یا قدرت علت‌ها کافی نیست و بی‌تعیینی نمی‌تواند ترجمان مناسبی برای این اصطلاح باشد.^۴ با این توضیح کاملاً آشکار است که نه تعیین سراسری و نه بی‌تعیینی نمی‌توانند معادل مناسب و دقیقی برای این اصطلاحات باشند.

مترجم عبارت ابتدایی متن «control by communication» را، که عنوان شروع مقاله نیز است (اردستانی ۱۳۹۴: ۱۳)، به‌اشتباه «ارتباط از طریق کنترل» ترجمه کرده است، درحالی‌که کاملاً کنترل از طریق ارتباطات است و نه بالعکس.

مترجم برای اصطلاح پدیدارشناسی هوسرل (epoché) معادل «دوران» (همان: ۲۰) را برگزیده که معادلی نامفهوم برای این اصطلاح است، با این توضیح که مهم‌ترین موضوع پدیدارشناسی هوسرل مفهوم اپوخه، به‌معنای اجتناب از پیش‌داوری‌ها یا تعلیق آن‌ها، اصطلاحی جاافتاده است (Moerer and Creawell 2004: 7).

در متن اصطلاح «communication» به ارتباط ترجمه شده است.^۵ این ترجمه اشتباهی از این اصطلاح نیست، اما با توجه به متن معادل ارتباطات ترجمه مناسب‌تر و بهتری است. درواقع، استفاده از واژه ارتباط، از جمله برای نظریه ارتباط (اردستانی ۱۳۹۴: ۲۴)، نظریه ریاضی ارتباط (همان: ۲۴)، و ارتباط: ماتریس اجتماعی روان‌پزشکی (همان: ۲۵)، موجب ابهام در فهم مسئله شده است.

مترجم اصطلاح «pragmatics» (همان: ۲۷) را «عمل‌شناسی» ترجمه کرده، حال آن‌که عمل‌گرایی معادل بهتری برای این واژه است. نظریه سیستم‌ها به معنای علاقه‌مندی به تغییرات اسناد است (همان: ۲۹). در این جا، «اسناد» معادل «attribution» قرار داده شده است، در حالی که «attribution» به معنای نسبت‌دادن و تخصیص است و اسناد نمی‌تواند واژه مناسبی برای این اصطلاح باشد. اشتباه تاییبی «realicy» در متن (همان: ۵۱) به جای «reality» دیده می‌شود.

۱,۴ معادل‌سازی

در مواردی نیز جمله و اصطلاحی بدون ترجمه آورده شده است و نویسنده، بی‌آن‌که توضیحی درباره آن بدهد، از آن گذر کرده است و این امر موجب ابهام در فهم متن شده است. برای نمونه، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ایده و بوروکراتیک (bureaucratic) (اردستانی ۱۳۹۴: ۱۳)؛
- سازمان تایلوری (همان: ۱۳)؛
- پارادوکس و توتولوژی (tautology) (همان: ۱۹۸)؛
- تئولوژی (theology) (همان: ۳۱)؛
- پلورالیسم (pluralism) (همان: ۴۱)؛
- انتولوژیکی (ontological) (همان: ۱۰۵)؛
- بیولوژی (biology) (همان: ۵۶)؛
- ترمینولوژی (terminology) (همان: ۲۳۶).

۲,۴ کم‌دقتی معادل‌سازی‌های مناسب در ترجمه

کتاب مورد بحث، علاوه بر حجم وسیعی از اصطلاحات تخصصی حوزه علوم اجتماعی و نظریه سیستمی، سرشار از واژگان ثقیل و تخصصی نامأنوس است که ترجمه اصطلاحات و معادل‌سازی‌های خاص برای مفاهیم برعهده مترجم است؛ امری که موجب شده است متن کتاب شکل روانی نداشته باشد و معنای آن نیز رسا و گویا نباشد. علاوه بر این، متن از پیچیدگی ناشی از اصطلاحات و ترجمه‌های غامض و نامفهوم مبرا نیست. از جمله این موارد می‌توان به فضای تولیدی، حدوث دوگانه، مشروط‌بودگی (اردستانی ۱۳۹۴: ۱۵)،

تولید افزونگی (همان: ۲۹)، انفکاک انشقاقی (همان: ۷۶)، اکولوژی بی‌دانشی (همان: ۳۴)، پیش‌انطباقی (همان: ۱۵۱)، و قصدیت ذاتی (همان: ۱۲۳) اشاره کرد.

۳,۴ استفاده مکرر از افعال و جملات مجهول

مترجم در به‌کارگیری صیغه مجهول افعال افراط کرده است. در نثر انگلیسی جملات مجهول رایج است و مترجم نیز به همان صیغه (البته، گاه با تغییر زمان و شخص) جمله را به فارسی برگردانده است، درحالی‌که استفاده از فعل مجهول در نثر فارسی چندان رایج نیست و در متون ادب فارسی شاید بتوان گفت صیغه مجهول کم‌یاب است. این ویژگی موجب شده است تا متن ثقیل و در مواردی گنگ و درک‌ناشدنی باشد:

ایده سیستم‌ها حامی کسانی است که درصدد یافتن راه‌ها و روش‌هایی برای مهار و کنترل جهان هستند (اردستانی ۱۳۹۴: ۱۳).

اگرچه کنترل، کنترل‌کننده، و کنترل‌شونده را از قید درجاتی از آزادی نجات می‌دهد (همان: ۱۶).

انگیزه و محرک استفاده از مفهوم سیستم جست‌وجوی نظم احتمالی در میان عوامل مخل آن می‌باشد (همان: ۱۷).

۴,۴ استفاده مکرر از تعابیر مشابه

استفاده مکرر از تعابیر «دلیل آن هم این است که...» (اردستانی ۱۳۹۴: ۱۳)، «این دلیل آن است که چرا...» (همان: ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۲۳، ۲۹، ۳۶، و...)، «این بدان معناست که...» (همان: ۱۵)، و «باوجوداین...» (همان: ۱۵، ۲۷).

مترجم محترم درطول ترجمه ترکیب «اگرچه... ولی/اما» را، که در متن ویراسته نادرست است، به‌کار برده است، درحالی‌که بهتر است تنها یکی از آن‌ها را به‌کار ببریم (برای نمونه، بنگرید به همان: ۱۵، ۲۱، ۵۱، ۵۷).

۵,۴ هم‌نشینی واژه‌های متضاد

ترجمه در بسیاری از موارد روان نیست و متن سرشار از جملاتی با مفاهیمی متضاد است. این چنین متنی به‌شدت از اعتماد خواننده به تقید و مهارت مترجم می‌کاهد. ضعف اعتماد

خواننده به متن ترجمه شده موجب شده است تا هر جا متن ثقیل می شود، این غامض بودن به ترجمه نسبت داده شود و کم تر فرصتی برای تأمل بیش تر در درک مطالب حاصل شود:

از قید درجاتی از آزادی نجات می دهد (اردستانی ۱۳۹۴: ۱۶).

این امر (یعنی سیستم) راهی برای بررسی چگونگی امکان پذیری سیستم می باشد (همان).

طرد تردها...، بیرون های درون جهان (همان: ۲۱).

ارتباط جهان را به هم مرتبط نمی کند بلکه تقسیم می کند (همان: ۱۹۶).

۵. نقد و بررسی محتوایی کتاب

نظریه سیستم های لومان نظریه ای مهم در بسیاری از حوزه ها از جمله جامعه شناسی، علوم سیاسی، مدیریت، روان شناسی، ترجمه، و هنر است. انگیزه و محرک استفاده از مفهوم سیستم جست و جوی نظم احتمالی در میان عوامل محل آن است (بیکر ۱۳۹۴: ۱۶-۱۷). لومان نظریه سیستم اجتماعی خود را به تفصیل در کتاب *سیستم های اجتماعی* (۱۹۹۵) توضیح داده است. در نظریه وی، انتقال از نظریه سیستم های بسته به نظریه سیستم های باز را مشاهده می کنیم و توجه فزاینده به محیط در نظریه سیستمی وی نمایان است. این تغییر شامل آگاهی از محیط و نیز این نکته است که سیستم ها بر پایه روابطی پویا بین سیستم و محیط برقرار شده اند. این جابه جایی و توسل به سیستم های باز با نقد وضع موجود پدیده های اجتماعی به گرایش معطوف به اصلاح ساختارهای اجتماعی، برنامه ریزی، مدیریت، و کنترل نیز همراه شده است. هم چنین، پارادایم سیستم های باز گام رادیکال دیگری را نیز، تحت عنوان خودارجاعی، برداشته است (لومان ۱۳۹۴: ۵۳). سخن این که در، زمانی که گرایش فکری غالب معطوف به خرده نظریات است، تلاش لومان برای باز تولید نظریه ای کلان برجستگی خاصی به نظریه او داده است.

۱,۵ ابعاد محیط سیستم های اجتماعی

لومان از نظر معرفتی برای محیط سیستم های اجتماعی سه بعد اصلی زمانی را به معنای تمایز زمانی میان گذشته، حال، و آینده، بعد مادی یا تمایز اکولوژیکی میان سیستم و محیط، و بعد نمادین به معنای تمایز اجتماعی میان بازیگر و مشاهده گر تعریف کرده است (بیکر ۱۳۹۴:

۳۶-۳۷). لومان، بیش از دیگر نظریه‌پردازان اجتماعی، با زمان (time) به‌عنوان یک بعد جهان اجتماعی در ارتباط است. او بر این باور است که زمان سیستم را پیچیده می‌سازد، زیرا امتداد زمان به گذشته می‌رسد، پیکره درهم‌تنیده اعمال را در حال حاضر پیچیده‌تر می‌سازد، و افق‌های وسیعی در آینده را نیز در بر دارد. پس، یک نظام اجتماعی باید سازوکارهایی را برای کاهش پیچیدگی زمان فراهم آورد. سیستم باید با ایجاد رویه‌هایی برای انطباق کنش‌ها با گذشته، حال، و آینده روشی را برای نظم بخشی به این بعد پیدا کند. بنابه تعریف لومان، بعد مادی محیط عبارت است از تمام روابط ممکن بین کنش‌ها در فضای فیزیکی بالقوه بی‌حدومرز. درنهایت، بعد نمادین شامل سازوکارها بین تمام نمادهای پیچیده و ترکیب‌هایی است که انسان‌ها می‌توانند به‌صورت احتمالی از آن‌ها درست کنند، بعضی نمادها را انتخاب کنند، و آن‌ها را به‌نحوی سازمان‌دهی کنند که مخالف تعداد زیادی از جای‌گزین‌های بالقوه است (Turner 1998: 61).

سیستم‌های اجتماعی برای بقا در محیط پیچیده سازوکارهایی هم‌چون کدهای ارتباطی به‌شدت تعمیم‌یافته مثل پول و قدرت را به‌منظور کاهش پیچیدگی به‌وجود می‌آورند و بدین صورت با محیط خود ادغام می‌شوند. این سازوکارها شامل گزینش روش‌ها و ابزارهایی برای کاهش پیچیدگی است. بر این مبنای سیستم‌ها محدودیت‌های وسیعی را، درباره این‌که کنش‌ها چگونه و کجا قرار است به نظام‌های تعامل و سازمان مربوط شوند، ایجاد می‌کنند. هم‌چنین، این سیستم‌ها زمان ادراک و نوع کنش‌هایی را سازمان‌دهی می‌کنند که به گذشته، حال، و آینده گرایش دارند. تلقی لومان از سیستم «انطباق موقتی با وضعیت‌های در حال گذار است» (بیکر ۱۳۹۴: ۱۷). به همین منظور، چنین گزینشی مرز بین سیستم و محیط آن را تعریف و مشخص می‌کند که درنهایت برای سیستم این امکان را فراهم می‌سازد که الگوهای کنش مرتبط با هم‌دیگر را تداوم بخشند (Turner 1998: 61-63).

۲,۵ معنا در نظریه سیستم‌های اجتماعی

لومان، با اذعان بر متفاوت بودن سیستم‌های اجتماعی و مادی، به پیوند بین آن‌ها نیز باور دارد. به‌باور لومان، هر یک از این دو نوع سیستم بدون دیگری رشد نمی‌کنند (Arnoldi 2001: 6). به‌منظور تبیین این تفاوت، لومان بیش از هر چیز بر مقوله معنا تأکید دارد. لومان، در میان تمام نظریه‌پردازان اجتماعی معاصر، بیش از همه به مرکزیت مفهوم معنا برای نظریه اجتماعی

توجه کرده است (ویسکواتف ۱۳۹۴: ۸۵)، با این توضیح که سیستم‌های اجتماعی پیچیدگی محیط پیرامون خود را از طریق توسل به مقوله معنا کاهش می‌دهند. با این وصف، تعریف یک سیستم اجتماعی میان حوزه معنا و بی‌معنایی در واقع تبیین‌کننده مرزهای آن است. فهم لومان از معنا نسبی و رابطه‌ای است. درست به همان‌گونه که وی رابطه هم‌بستگی متقابلی میان سیستم و محیط تعریف کرده در این مورد نیز بر این باور است که معنا از طریق حذف احتمالات دیگر تولید می‌شود. در این حال، معنا پیچیدگی را در خود حفظ می‌کند و احتمالات دیگر را از بین نمی‌برد، بلکه تنها آن را به حاشیه می‌راند. سیستم با هماهنگی و متعادل‌ساختن پیچیدگی خود با پیچیدگی محیط تلاش دارد تا به انواع گوناگون داده‌های واردشده از محیط پاسخی درخور داشته باشد. این کار با گزینش انجام می‌شود. بنابراین، کارکرد سیستم‌ها در همه موارد کاستن پیچیدگی است (هولاب ۱۳۷۵: ۱۵۲).

۳,۵ نظریه ساختار مبتنی بر کارکرد

نظریه سیستم‌های اجتماعی لومان تحت‌تأثیر و ملهم از دیدگاه پارسونز است. با این حال، لومان در سیر تکامل خود بسیار فراتر از آن می‌رود. در واقع، لومان با تزریق رویکرد فلسفی آلمان در کالبد نظریه سیستمی پارسونز آن را حیاتی تازه بخشید. برای نمونه، لومان به جای کنش (action) بر ارتباط سیستم‌های اجتماعی تمرکز می‌یابد، چنان‌که به جای سیستم‌های کنش سیستم‌های ارتباط را جای‌گزین می‌کند (Arnoldi 2001: 2). در این جهت، مهم‌ترین تحول در این رویکرد تدوین نظریه سیستمی به منزله نوعی نظریه ساختاری مبتنی بر کارکرد در مقابل نظریه کارکردی مبتنی بر ساختار تالکوت پارسونز است (مولر ۱۳۷۹: ۱). لومان خواستار آن است که کل مفاهیم در درون چهارچوب اصالت کارکرد تبیین شوند، حتی مفاهیم حقیقت و ارزش، نه به عنوان پیش‌فرض‌های اولیه، بلکه به لحاظ کارکردی که دارند موردتحلیل قرار می‌گیرند. به نظر لومان، مفهوم کارکرد می‌تواند نظریه سیستم‌ها را به نظریه قابل‌قبولی درخصوص جامعه تبدیل کند (هولاب ۱۳۷۵: ۱۵۳-۱۵۴). همان‌گونه که یک جامعه به حوزه‌های کارکردی تفکیک می‌شود، واسطه‌های متمایز نیز برای سازمان‌دهی منابع سیستم‌ها در هر حوزه به کار برده می‌شوند. برای مثال، اقتصاد از پول به‌مثابه واسطه ارتباطی استفاده می‌کند، قدرت واسطه ارتباطی متمایز حوزه سیاست، عشق واسطه خانواده، و در نهایت صداقت واسطه علم است.

۴,۵ خودارجاعی (self-refernce) و خودترمیمی (autopoiesis)

معنا در نظر لومان خودارجاع است؛ یعنی عوامل درون‌سیستمی در تولید آن بیش از عوامل بیرونی تأثیر دارند. درنهایت، خودارجاعی قطع رابطه سیستم با محیط خارج است. وجه نمایان سیستم‌های خودارجاع و به عبارتی خودساز آن است که این سیستم‌ها تولیدکننده و بازتولیدکننده عناصر تشکیل‌دهنده خودند و همواره با مشخص کردن تفاوتشان با محیط به خود شکل می‌دهند. هدف اصلی نظریه سیستم‌های خودساز عرضه مفهومی است که امکان درک تفاوت میان سیستم‌های زنده و غیرزنده را هموار سازد (ویسکرواتف ۱۳۹۴: ۹۷). بر این اساس، معنا به وسیله خود سیستم و نه جهان خارج است که محک می‌خورد و معیار نیز این است که آیا کارکردی است یا خیر. درنهایت، خودارجاعی سیستم‌های اجتماعی بدان معناست که سیستم‌های کارکردی مستقل‌اند (Arnoldi 2001: 7). هم‌چنین، لومان سیستم اجتماعی را به مثابه سیستم ارگانیک در نظر می‌گیرد که قادر به خودتنظیمی (self-regulation) است، با این توضیح که وجه بارز سیستم‌های خودترمیم آن است که این سیستم‌ها عناصر تشکیل‌دهنده خود را تولید و بازتولید می‌کنند (مولر ۱۳۷۹: ۵).

۵,۵ ارتباط (communication)

از دید نظریه سیستم‌ها، جامعه از ارتباط تشکیل شده است و ارتباطات عناصر بنیادین آن‌اند. لومان تمام سیستم‌های اجتماعی را شبکه‌های ارتباطی می‌نامد که در آن هر سیستم اطلاعاتی را که موردنیاز است انتخاب و آن را از محیط دریافت می‌کند. عوامل محیطی از راه نیاز اجتماعی به اطلاعات محیط و نیاز جامعه به منابع موجود در محیط بر جامعه اثر می‌گذارند (Luhmann 1995: 8). بر این اساس، جامعه یا نظام اجتماعی جمع کل ارتباط درونی بامعنا تعریف شده است. درواقع، نظام اجتماعی فقط از طریق ارتباطات بیش‌تر می‌تواند خود را مشاهده کند و نظم بخشد (هریسون ۱۳۷۹: ۲۰-۲۶). ارتباط از طریق نمادها ایجاد می‌شود و این نمادها بیان‌گر خط‌مشی‌های رفتاری کنش‌گران هستند. به‌باور لومان، تفکیک سیستم‌های اجتماعی به حوزه‌های کارکردی بدون ایجاد واسطه ارتباطی متمایز برای آن حوزه امکان‌پذیر نیست. واسطه‌ها باعث کاهش پیچیدگی می‌شوند، زیرا دامنه کنش را در یک سیستم محدود می‌کنند. برای مثال عشق، به مثابه یک واسطه، انواع روابط ممکن در یک سیستم خانواده را کاهش می‌دهد. این نمادهای ارتباطی، که تحت عنوان کدهای ارتباطی از آن یاد می‌شود، دلالت بر پاسخ‌های جای‌گزین هم دارد و موجب تثبیت پاسخ‌های سیستم

به محیط نیز می‌شوند. این نمادها ویژگی‌های مختلفی دارند. کدها به صورت دو ارزشی و دیالکتیکی هستند، چنان‌که نمادهای آن‌ها بر متضاد آن‌ها دلالت دارند. هم‌چنین، کدها با دلالت بر متضاد خود پتانسیلی را برای کنش متضاد ایجاد می‌کنند. حتی، با وجود کاهش پیچیدگی، واسطه‌ها بر متضاد آن‌ها دلالت دارند. بنابراین، گزینه‌های بالقوه را توسعه می‌دهند و به سیستم‌ها انعطاف‌پذیری می‌بخشند. برای مثال، پول درازای کار بر متضاد آن، کار بدون دست‌مزد، دلالت دارد. کاربرد قدرت بر متضاد آن، یعنی اطاعت نکردن از تصمیمات سیاسی، دلالت دارد. در نهایت، سازمان‌دهی نمادها در یک کد به انتخاب جای‌گزین‌هایی کمک می‌کند که پیچیدگی محیط را کاهش می‌دهند (Turner 1998: 65).

۶,۵ چگونگی اجماع

لومان تأکید نظریه‌های سستی بر اهمیت وفاق ارزشی به مثابه یک سازوکار انسجام‌بخش در سیستم‌های تفکیک‌شده را به شدت رد می‌کند. به‌باور لومان، این تئوری‌ها بسیاری از فرایندها مثل جرم، تضاد، و اختلاف ارزشی را گونه‌ای انحرافی می‌داند و آن را به‌عنوان آسیب ارزیابی می‌کنند، درحالی‌که لومان وجود آن‌ها را در سیستم‌های تفکیکی اجتناب‌ناپذیر می‌داند. در واقع لومان، با تأکید بر توافق‌های موقتی و نیم‌بند، توافق و اجماع محض را به شدت رد می‌کند و بر این نکته پافشاری می‌کند که جهان اجتماعی مدرن جهانی تفکیک‌یافته و بدون مرکز است. در نهایت این‌که در این جهان دیگر نه اقتصاد، نه فرهنگ، و نه جریان سیاسی نقش تعیین‌کننده ندارند. جامعه نه یک کلیت، بلکه از خرده‌نظام‌های متکثر متفاوتی تشکیل شده است که تنها از طریق تفاوت کار می‌کنند؛ یعنی خرده‌نظام‌های به شدت ضابطه‌مندی که براساس کد و ضابطه خود عمل می‌کنند (اقتصاد براساس پول، سیاست بر مبنای قدرت، و...). این نظام‌ها توأمان هم به یک‌دیگر وابسته‌اند و هم خودآیین‌اند. سیستم علمی هرگز نمی‌تواند بدون سیستم سیاسی کار کند و سیستم سیاسی نیز در عین حال به دانشی وابسته است که تحقیقات و علوم آن را فراهم می‌کنند. تئوری سیستم‌های لومان یک تئوری بدون هسته‌ای است که بر پایه تکثر مراکز و در نتیجه تکثر زمینه‌ها طراحی شده است. هیچ مفهوم بنیادین یا حتی مجموعه‌ای از مفاهیم اساسی در تئوری سیستم‌ها به چشم نمی‌خورد. در عوض، تلاشی در کار است تا مفاهیم در رابطه با یک‌دیگر تعریف شوند. در فرایند تعریف مفاهیم در ارتباط باهم، این مفاهیم یک‌دیگر را روشن و محدود می‌کنند (مولر ۱۳۷۹: ۲).

به‌باور لومان، تعریف سیستم بر مبنای تفاوت آن با محیط تعیین می‌شود. سیستم، علاوه بر این که در ارتباط فعال با محیط قرار دارد و از آن تأثیر پذیرفته است و در آن تأثیر می‌گذارد، از سیستم‌های فرعی نیز تشکیل شده است. هرگونه تغییر در شکل یا محتوای یک سیستم فرعی بر روی ساختار و ترکیب درونی سیستم‌های فرعی دیگر و کل سیستم اثر می‌گذارد. سیستم‌ها می‌توانند خرده‌سیستم‌هایی (subsystems) را شکل ببخشند^۶ که قادرند با استقلال فزاینده یا وابستگی فزاینده پیچیدگی محیطی را تقلیل دهند (همان: ۵). در نهایت این که لومان فرایندهای سیستم را، با توجه به این شاخص، تحلیل می‌کند که آن‌ها چگونه یک ضرورت کارکردی بزرگ (کاهش پیچیدگی محیطی) را برآورده می‌سازند. از این رو، وی هم‌چنان در دایره کارکردگرایی باقی می‌ماند، هرچند با رویکرد سیستمی - نظری خود این مکتب را دگرگون ساخته و رادیکال کرده است (هریسون ۱۳۷۹: ۲۷-۳۰).

۷،۵ ارزیابی نظریه سیستم اجتماعی لومان

نظریه سیستم‌ها مدعی درک کلی و عام موضوع است. بدین مفهوم که در مقام یک تئوری اجتماعی به همه مسائل اجتماعی می‌پردازد و نه فقط به بخش‌ها یا قطعاتی محدود (مولر ۱۳۷۹: ۳). با این دعوی، باید اذعان کرد که این نظریه چشم‌انداز مناسبی را برای شناخت نظام اجتماعی و جهان مدرن، ابعاد آن‌ها، و نوع روابط بین اجزای مختلف درون جامعه و رابطه جامعه با محیط خود را به وجود آورده است. با این حال، این نظریه نیز از نگاه منتقدان عاری از مشکل نیست که مهم‌ترین این نقدها در سه محور قابل جمع‌اند.

نخست آن که تأکید بر معنا به تنهایی نمی‌تواند حدود و مرزها را تعیین کند. برخلاف مرزهای عینی و جسمانی یک سیستم زیستی، که هم از حیث مادی و هم از حیث زمانی مشخص است، حدود معنا یعنی تفکیک با معنا از بی‌معنا به عنوان مرز سیستم‌های اجتماعی تعیین‌شدنی و تشخیص‌دانی نیست (هولاب ۱۳۷۵: ۱۵۳).

دومین مسئله انتقادی است که طیف گسترده‌ای از منتقدان به‌کرار به نظریه سیستم‌ها وارد کرده و گفته‌اند که این نظریه محافظه‌کار تأییدکننده و غیرانتقادی است و نظریه‌پردازان سیستم‌ها در اغلب موارد به تأیید دوباره وضع موجود پرداخته‌اند (مولر ۱۳۷۹: ۱۴). به‌باور هولاب، این تئوری، به‌عنوان نظر و روشی توجیه‌گر و مدافع وضع موجود در علوم اجتماعی، در پی عرضه توجیهاتی برای ضعف و زوال دموکراسی در جوامع جدید و حذف آخرین پایگاه‌های دموکراسی از طریق تشدید عقلانیت بوده است (هولاب ۱۳۷۵: ۱۶۰).

از این رو، نظریه سیستم‌ها تاکنون در حد یک نظریه در گفتار آکادمیک باقی مانده است، چنان‌که حتی در حیطه آن نظام اجتماعی که ادعای تحلیلش را دارد، با جامعه هیچ ربط و بستی پیدا نمی‌کند (هولاب ۱۳۷۹: ۱۴۱).

مسئله سوم نیز با رویکردی هنجاری طرح شده است. هابرماس، مهم‌ترین منتقد لومان،^۷ در نقد نظریه سیستم‌ها از نظر روش‌شناسی بر این باور است که تئوری سیستم‌ها، به علت وابستگی به روش‌های تجربی-تحلیلی، برنامه پژوهشی ناقص و نارسایی است. به باور هابرماس، زیربنای اصالت کارکرد بایستی دربرگیرنده دو وجه باشد؛ از یک سو، بایستی از وجهی تاریخی-تأویلی برخوردار باشد، به گونه‌ای که معطوف به هنجارهای اجتماعی و معنا باشد و از سوی دیگر، بایستی بُعدی نقادانه داشته باشد تا کاستی‌ها و ناراستی‌های ایدئولوژیک حال حاضر و توقعات اتوپیایی آینده را در نظر بگیرد. به نظر هابرماس، بدون این دو وجه تئوری سیستم‌ها در خدمت توجیه سرکوب‌گرانه و بی‌دادگرانه وضع موجود قرار می‌گیرد (هولاب ۱۳۷۵: ۱۵۱).

۶. نتیجه‌گیری

نظریه‌های سیستمی جایگاه برجسته‌ای در نظریات اجتماعی و تحلیل پدیده‌های اجتماعی به خود اختصاص داده است. نظریه سیستم‌ها به تأثیر و ملهم از دیدگاه پارسونز بوده است که در سیر تکامل خود بسیار فراتر از آن می‌رود، چنان‌که از یک نظریه کارکردی مبتنی بر ساختار به نظریه ساختاری مبتنی بر کارکرد تحول می‌یابد. نظریه سیستم اجتماعی، در پرتو تأملات و نظریه‌پردازی نیکلاس لومان، نقطه اوج اندیشگی در حوزه نظریات سیستمی به شمار می‌رود. نظریه‌های سیستمی اساساً ماهیتی کل‌نگر دارند، با این حال لومان بر اساس ایده‌های ماکس وبر در جهت توسعه عناصر رویکرد فردگرایانه کوشیده است، چنان‌که در تصور لومان سیستم‌ها به موجوداتی جامع تبدیل می‌شوند که مانند افراد مختلف به تصمیم‌گیری و مدیریت خود قادرند. لومان، برخلاف سلفش که تلاش می‌کردند تا در پرتو رویکرد سیستمی نوعی تئوری کلان تاریخی و علی در مورد تغییر از جوامع پیشامدرن به مدرن را صورت‌بندی کنند تا به‌ویژه در مطالعات مقایسه‌ای از آن بهره‌جویند، از زبان تغییر، گزینش، و ثبات استفاده می‌کند تا شرحی را درباره قابلیت جوامع مدرن برای اعمال کنترل بیش‌تر ارائه دهد که از طریق ارتباطات حاصل می‌شود. در این جهت، لومان با واردکردن متغیرهای متنوع، از جمله متغیر زمان و تولید مفاهیمی هم‌چون خودارجاعی و خودسازی

سیستمی، مرزبندی و امکان‌بخشی بر مبنای معنابخشی تحول‌آسایی در نظریه سیستم‌ها را موجب شده است. باین‌حال، کاهش فعلی علاقه به آثار لومان با این واقعیت تقویت شده است که وی نتوانست مفاهیم خود را به ابزار تحقیق جامعه‌شناسی تجربی تبدیل کند. با وجود این، نظریه لومان درباره جامعه‌ای که از نظر عملکرد متفاوت است و پی‌آمدهای آن هنوز محرک مهمی برای اندیشه جامعه‌شناسی معاصر است.

باین‌وصف، باید بیان داشت که آثار نویسنده پرکار و مطرحی هم‌چون لومان به فارسی ترجمه نشده، مگر این کتاب که به لحاظ موضوعی درخور توجه است و هم‌چنین این‌که پنج مقاله به قلم لومان ترجمه و تدوین شده است و سه مقاله دیگر نیز درباره این نظریه‌پرداز سیستمی طرح بحث کرده‌اند، اما کتاب حاضر به دلایلی در معرفی لومان و شناسایی دیدگاه او تا حد زیادی ناکام مانده است: ضعف انسجام محتوایی و انباشتی مطالب، چنان‌که نمی‌توان در انتهای متن تصویری جامع را از نظریه سیستمی لومان برداشت کرد. علاوه بر این، به لحاظ شکلی مواردی هم‌چون عنوان کتاب نامناسب ارزیابی می‌شود. در واقع، عنوان نظریه سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی عنوانی بزرگ‌تر از محتوای بیان‌شده در این اثر است. بنابر محتوا، تنها می‌توان از تغییر پارادایم در نظریه سیستم‌ها سخن گفت. متن کتاب، به علت نامفهوم بودن مطالب، نیازمند بازنگری اساسی مترجم محترم در ترجمه و استفاده از معادل‌سازی‌های قابل‌فهم‌تر و مناسب‌تر است. در نهایت مهم‌ترین نکته مربوط به ویرایش متن است. متن سرشار از جملات نامفهوم، اصطلاحات گنگ، هم‌نشینی مکرر کلمات متضاد، و عدم توضیح اصطلاحات تخصصی است. رعایت نکردن علائم و نشانه‌گذاری‌های نگارشی نیز مزید بر علت شده است. زمانی‌که این مسائل در کنار غامض بودن ذاتی مباحث در حوزه نظریه‌های سیستمی قرار می‌گیرد، ارتباط برقرار نکردن خواننده با متن اتفاقی معمول است.

در نهایت، پیش‌نهادهای برای ارتقای متن در چاپ مجدد این کتاب در چهار بخش ویرایش متن، بازنگری در ترجمه، بهره‌گیری از اشکال و نمودار، و اصلاح نام کتاب ارائه می‌شود:

- ویرایش متن: ویراستار عضو حذف‌ناپذیر چرخه تولید کتاب است. لاجرم، غیاب ویراستار پذیرفته نیست. مشکلات ویرایشی و گنگ و نامفهوم بودن و غامض بودن متن نیز دال بر این مهم است. برای رفع این مشکل، ویرایش کل متن در چاپ مجدد به جلد توصیه می‌شود.

- بازنگری در ترجمه: این مهم به‌ویژه به‌علت نامفهوم‌بودن معادل‌سازی اصطلاحات، ترجمه غیرروان، جملات گنگ، و درنهایت چیزی که حاصلش حداقل ارتباط خواننده با متن است، ضروری است.
- ترسیم روابط متغیرها و مفاهیم در قالب نمودار: نظریه سیستم‌ها نظریه‌ای غامض و پیچیده است. از این رو، غالباً برای ارائه مطالب و مفاهیم در این حوزه از اشکال، نمودار، و تصاویر برای ارائه ساده‌تر مطالب بهره گرفته می‌شود. در کتاب مدنظر کم‌تر تصویر، شکل، و نمودار برای ساده‌سازی فهم مطالب وجود دارد و در کل تنها دو شکل بسیار ساده دیده می‌شود (اردستانی ۱۳۹۴: ۳۳، ۴۲) که در یکی از آن‌ها مترجم اصطلاحات را ترجمه نکرده و اصطلاحات لاتین را مستقیماً وارد متن کرده است (همان: ۳۳، تصویر ۱). بنابراین، پیش‌نهاد می‌شود، با توجه به تخصص مترجم محترم در این حوزه، در قالب توضیحات مترجم، برای تبیین و ساده‌سازی روابط میان متغیرها و جایگاه مفاهیم در نظام اندیشگی لومان از نمودار و جدول بهره برده شود.
- اصلاح نام کتاب: عنوان کتاب، *تغییر پارادایم در نظریه جامعه‌شناسی*، عنوانی بزرگ‌تر از دعوی لومان است. این عنوان فراتر از محتوا و فهرست مطالب کتاب است. بنابراین، پیش‌نهاد می‌شود که عنوان کتاب به «تغییر پارادایم در نظریه سیستم‌ها»، که عنوان مقاله دوم کتاب است (همان: ۴۱)، تغییر یابد.

پی‌نوشت‌ها

۱. دربرگیرنده هشت مقاله تحت عناوین «چرا سیستم‌ها» از درک بیکر، «تغییر پارادایم در نظریه سیستم‌ها» بخشی از کتاب *سیستم/اجتماعی* (Luhmann 1995)، «نظریه سیستم‌های جدید و نظریه جامعه» نوشته لومان، «بنیان‌های نظریه سیستم‌های نیکلاس لومان» از الکس ویسکووانف، «مدرنیت علم»، فصل دهم کتاب *علم جامعه*، نوشته لومان، «جهانی‌شدن یا جامعه جهانی: چگونه باید جامعه مدرن را درک کرد» به‌قلم لومان، «سخن و سکوت» به‌قلم لومان، و مقاله پایانی تحت عنوان «میراث نیکلاس لومان» به‌قلم گوتارد بچمن و نکو استر.

2. *A Sociological Theory of Law* (1985), London: Routledge.

Art as a Social System (2000), Stanford: Stanford University Press.

The Reality of the Mass Media, Stanford: Stanford University Press.

Law as a Social System (2004), Oxford: Oxford University Press.

“The Modernity of Science” (1994), *New German Critique*, vol. 61.

Social Systems (1995), Stanford: Stanford University Press.

Religious Dogmatics and the Evolution of Societies (1997), New York/ Toronto: Edwin Mellen Press..

۳. اردستانی، علی (۱۳۹۴)، نظریه سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی: تأملی بر اندیشه‌های نیکلاس لومان، تهران: قومس.

۴. Over به معنای بیش از اندازه یا از حد نرمال بالاتر رفتن و under به معنای پایین‌تر آمدن و کم‌تر از حد و اندازه.

۵. حداقل این‌که برای ترجمه این اصطلاح در موارد ذکر شده واژه ارتباطات رساتر است؛ مواردی هم‌چون: (Mathematical Theory of Communication: p. 24) و (Communication: the Social) (Matrix of Psychiarity: p. 25).

۶. به‌باور لومان، جامعه دارای شش خرده‌سیستم اجتماعی است: اقتصاد، سیاست، قانون، علم، دین، و آموزش و پرورش.

7. With Jürgen Habermas: Theorie der Gesellschaft oder Sozialtechnologie- Was leistet die Systemforschung? Frankfurt: Suhrkamp, 1971.

کتاب‌نامه

اردستانی، علی (۱۳۹۴)، نظریه سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی: تأملی بر اندیشه‌های نیکلاس لومان، تهران: قومس.

مولر، هارولر (۱۳۷۹)، «تئوری سیستم‌های لومان به مثابه تئوری‌ای در باب مدرنیته»، ترجمه مراد فرهادپور، ارغنون، ش ۱۷.

هریسون، پل (۱۳۷۹)، «نیکلاس لومان و تئوری نظام‌های اجتماعی»، ترجمه یوسف اباذری، ارغنون، ش ۱۷.

هولاب، رابرت (۱۳۷۵)، یورگن هابرماس: نقد در حوزه عمومی: مجادلات فلسفی هابرماس با پوپری‌ها، گادامر، لومان، لیوتار، دریدا، و دیگران، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نی.

هولاب، رابرت (۱۳۷۹)، «نتایج کار لومان تئوری سیستم‌ها و پژوهش‌های ادبی: در دوران پس از دیوار برلین»، ترجمه سایه میثمی، ارغنون، ش ۱۷.

Arnoldi, J. (2001), "Niklas Luhmann: An Introduction", *Theory, Culture & Society*, vol. 18, no. 1.

Luhmann, N. (1995), *Social Systems*. Stanford, CA: Stanford University Press.

Turner, J. H. (1998), *The Structure of Sociological Theory*, Wadsworth Pub. Co.